

مؤلفه‌ها و راهکارهای تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌های امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری^(مدظله العالی)

ابراهیم یاقوتی^۱

چکیده

تمدن اسلامی در واقع بیان‌کننده فرهنگ، تاریخ، سنن و باورهای دینی مسلمین می‌باشد که ریشه در تعالیم قرآنی و توحیدی دارد. به‌طور کلی این تمدن طی پانزده قرن بافت و خیزهایی مواجه بوده است که در شکوفایی مجدد آن، انقلاب اسلامی ایران و بنیان‌گذاری یک نظام اسلامی جایگاهی ارزشمند و تعیین‌کننده‌ای داشته است. از طرفی دیدگاه‌ها و نظرهای ارزشمند امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) یک خلاء تئوریک چند قرنه را در تمدن اسلامی پر کرده و شخصیت و برجستگی تازه‌ای به «تمدن اسلامی» بخشیده است. این تمدن نوین اسلامی از دیدگاه ایشان دارای مؤلفه و شاخص‌هایی همچون بینش توحیدی، کرامت انسانی، علم و معرفت، عدالت‌گستری، آزادی، استقامت و پایداری، استقلال سبک زندگی و عزت می‌باشد؛ همچنین راهکارهای دستیابی به آن عبارتند از ایمان، پرهیز از سطحی‌نگری، بازگشت به اسلام، استفاده بهینه از ظرفیت نخبگان و دانشمندان، تحول در علوم انسانی، پرهیز از غرب‌گرایی، تلاش حاکمیت، خودباوری، داشتن نگاه قرائی ملی و فرامرزی بررسی گذشته تمدن اسلامی، داشتن جهان‌بینی کامل و تحول نگاه به علم، شناسایی مؤلفه‌های تمدن رقیب، داشتن فقه پویا. در حقیقت این موارد می‌تواند جامعه را به جاده اندیشه و اندیشه‌ورزی در فائق آمدن بر مشکلات سیاسی عصر جدید یاری و زمینه‌ی ایجاد تعالی تمدن نوین اسلامی شود.

واژه‌های کلیدی

تمدن، ارکان تمدن، تمدن اسلامی، شاخصه‌های تمدن اسلامی

^۱. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد

❖ ۱. مقدمه

سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

تمدن اسلامی در واقع بیان‌کننده فرهنگ، تاریخ، سنن و باورهای دینی مسلمین می‌باشد و بدین جهت نقطه آغاز آن به ظهور اسلام برمی‌گردد. کمتر کسی است که از پیشینه درخشان تمدن و فرهنگ اسلامی در سده‌های نخستین اطلاع نداشته باشد. به گفته ویل دورانت اسلام طی پنج قرن از سال ۸۱ تا ۵۹۷ هـ. ق. (مصادف با ۷۰۰ تا ۱۲۰۰ م) از لحاظ نیرو، نظم، بسط قلمرو حکومت، اخلاق، رفتار، سطح زندگانی، وضع قوانین منصفانه انسانی، ادبیات، دانشوری، علم طب و فلسفه پیشاهنگ جهان بود. (دورانت، ۱۳۸۸، ج ۶: ۳۲) این تمدن در مرحله‌ای از تاریخ مورد هجوم صلیبیون، اقوام بدوی و مغول‌ها و پس از آن در اواخر قرن هجدهم میلادی مورد هجوم همه‌جانبه فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان غرب قرار گرفت. به نحوی که عده‌ای از دانشمندان معتقدند که فرهنگ و تمدن امری تاریخی و مربوط به گذشته است و افول و انحطاط تمدن‌ها اجتناب‌ناپذیر است (مفتخری، ۱۳۷۹: ۴) به همین دلیل به این تصور دامن می‌زنند که این تمدن دیگر از سازندگی و بالندگی نازا گشته و اوج خود را در همان چند قرن اول ظهور اسلام نشان داده است، از این‌رو بحث از تمدن‌سازی مجدد اسلام و اعتلای آن بی‌فایده می‌دانند. همچنین عده‌ای از دانشمندان معتقدند به دلیل جهان‌شمول بودن و تهاجم همه‌جانبه فرهنگ و تمدن غربی سرانجام تمدن و فرهنگ‌های متنوع در عرصه جهانی، در شکل غربی آن هضم خواهند شد. به‌طور کلی تمدن اسلامی طی پانزده قرن با افت و خیزهایی مواجه بوده است که در شکوفایی مجدد آن، قیام حضرت امام^(ع) و بنیان‌گذاری یک نظام اسلامی جایگاهی بس ارزشمند و تعیین‌کننده‌ای داشته است.

امام خمینی^(ع) و مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) یک خلاء تئوریک چندقرنه را در تمدن اسلامی پر کردند و علاوه بر آن شخصیت و برجستگی تازه‌ای به «تمدن اسلامی» بخشیدند و به تعبیر مقام معظم رهبری خط‌کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است. بنابراین باید مشخص شود که این تمدن نوین اسلامی دارای چه

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

نیازهایی است تا در جهت رفع این نیازها، اقدامات مفید و ثمربخشی صورت پذیرد از طرفی آنچه مهم است اینکه امروزه مطالعه مبانی اندیشه‌ای و فکری رهبران سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. به‌ویژه رهبرانی که اندیشه و تفکر آنان در مسیر ایجاد تحول و تغییر بنیادین در عرصه نظام و روابط بین‌الملل بوده است. از این‌رو این پژوهش می‌کوشد به شیوه کتابخانه‌ای و با محوریت کلام و نظرات امام خمینی^(۵) و مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) به شناخت، ضرورت تمدن اسلامی و راهکارها و ابزارهای لازم برای دستیابی به آن بپردازد. برای نیل به این هدف؛ ابتدا طرح کلی مفاهیمی چون تمدن و ارکان آن، تمدن اسلامی و نظریه‌های مرتبط با آن ترسیم گردیده و سپس به طرح مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی و اهم راههای رسیدن به آن اقدام گردیده است.

۱-۱. تمدن

واژه تمدن^۱ از کلمه «شهرآ» به معنای مدنی و با تربیت اجتماعی مشتق شده است. «تمدن» مصدری عربی از باب تفاعل می‌باشد و در زبان عربی معادل واژه «الحضارة» به معنای اقامت در شهر است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۲: ۱۰۳). این کلمه در زبان انگلیسی با کلمات مؤدب، نزاکت، نجیب، مبادی آداب، قابل احترام و شهرنشین مترادف است (بختی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۸۹) همچنین در فرهنگ فارسی معین علاوه بر تعاریف یاد شده، «تمدن» به معنای همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دینی آمده است. اگرچه قدر مشترک تعاریف فوق «شهرنشینی» می‌باشد، اما نباید تصور نمود که تمدن به آن شکل از زندگی انسان‌ها اطلاق می‌شود که در برابر چادرنشینی یا بیابانگردی قرار دارد؛ بلکه در حقیقت انسان متمدن وارد مرحله شهرنشینی شده است.

1 . civilization

2 . civil

مفهوم اصطلاحی تمدن به معنای امروزی از قرن هجدهم میلادی براساس دیدگاه انسان محور در مغرب زمین شکل گرفته و دانشمندان علوم اجتماعی تعریف‌هایی متفاوت از آن ارائه کرده‌اند. از دیدگاه «هرسکوتیس» تمدن عبارت است از: «مجموعه دانش‌ها، هنرها و فنون و آداب و سنن، تأسیسات و نهادهای اجتماعی که در پرتو ابداعات و اختراعات و فعالیت‌های افراد و گروه‌های انسانی طی قرون و اعصار گذشته توسعه و تکامل یافته و در تمام قسمت‌های یک جامعه یا چند جامعه که با یکدیگر ارتباط دارند. مانند تمدن مصر، یونان، ایران و ... باید دانست که هر کدام از آنها دارای ویژگی‌هایی است که به عوامل جغرافیایی، تاریخی و تکنیکی خاص خود بستگی دارند.» (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ۴۹) همچنین «هانتیگتون» تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آورد (هانتیگتون، ۱۳۷۸: ۴۷).

از منظر متفکرین اسلامی چون ابن خلدون، «تمدن» حالت اجتماعی انسان است. وی جامعه‌ای را که با تشکیل حاکمیت، نظم‌پذیر شده، مناصب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده تا به حفظ نظم و نظارت پردازد و از حالت زندگی فردی به زندگی شهری روی آورده و موجب تعالی فضایل و ملکات انسانی چون علم و هنر شده است؛ حائز «مدنیت» می‌داند (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱: ۷۱). همچنین علی شریعتی در تعریف کلی از «تمدن» می‌گوید: «تمدن به معنای کلی عبارت است از مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی. هنگامی که می‌گوییم ساخته‌های انسانی مقصود آن چیزی است که در طبیعت در حالت عادی وجود ندارد و انسان آن را می‌سازد» (شریعتی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵)، از سویی دیگر تعبیر داوری اردکانی از تمدن قابل تأمل است؛ «تمدن، سیر و بسط یک نحوه تفکر و ظهور آثار تفکر در مناسبات افراد و اقوام و در رفتار و کردار و علوم و فنون مردم است و این ظهورات آن چنان به هم پیوسته‌اند که جزئی از جزء دیگر را جدا نتوان کرد و کل این اجزاء هم اصل و ریشه‌ای دارد و اصل و ریشه‌ای داشته است.» (داوری اردکانی، ۱۳۷۹: ۲۷۲) یا به عبارت دیگر

«ظهور فرهنگ، تمدن است.» (همان: ۹۳). گرچه بین فرهنگ و تمدن ارتباط متقابل وجود دارد ولی باید توجه داشت که فرهنگ به جلوه‌های زندگی مانند دین، هنر، ادبیات و هدف‌های اخلاقی اختصاص دارد و تمدن شامل سازمان کامل جامعه و نظام‌های اجتماعی و فنون کار و ابزار مادی است که انسان برای تسلط بر شرایط زندگی خویش پدید می‌آورد.

۱-۲. ارکان تمدن

ویل دورانت معتقد است وقتی که شهرنشینی محقق گردید و نظم اجتماعی مستقر شد چهار رکن اصلی تمدن شکل می‌گیرد که عبارتند از:

الف) پیش‌بینی و احتیاط امور اقتصادی به‌عنوان رکن مهم حیات بشری؛

ب) سازمان سیاسی که در گسترش امنیت و نظم اجتماعی مهم بوده و باعث جلوگیری از هرج و مرج اجتماعی می‌شود؛

ج) سنن اخلاقی به‌عنوان مقوم جامعه تمدنی، اخلاق مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی جامعه که به شکل‌گیری، هدایت و استمرار حیات تمدنی منجر می‌شود؛

د) کوشش در راه بسط و معرفت هنر به‌عنوان عالی‌ترین عنصر تمدن بشری و تجلی‌گاه ذوق و نبوغ آدمی (ویل دورانت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳).

به عقیده ویل دورانت این چهار رکن، ارکان اساسی تأسیس و تداوم تمدن می‌باشند، اما علاوه بر این ارکان می‌توان عوامل ثابت دیگری را نیز برشمرد که در شکل‌گیری و پویایی تمدن‌ها نقش بسزایی دارند که برخی از آنها عبارتند از: ۱. دین؛ می‌توان گفت دین اساسی‌ترین و مهم‌ترین رکن تمدن است که منجر به دوام آن می‌شود و می‌تواند با ابزارهای معنوی و فراملیتی، ضمن هدایت جامعه، به تمدن هویت بخشیده، در تقویت سایر عناصر مذکور در بالا (اخلاق، سنن و معرفت هنری) مؤثر باشد؛ ۲. زبان؛ اساسی‌ترین رکن موجودیت انسان است که انتقال مفاد تمدن از طریق آن ممکن است؛ ۳. علوم و فناوری؛ عالی‌ترین محصول خرد بشری، ابراز تعالی تمدن و عامل رشد و دوام اجتماعی می‌باشد (جان محمدی، ۱۳۸۶: ۲۱).

❖ ۱-۳. تمدن اسلامی

سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

تمدن اسلامی، تمدنی است دینی و الهی که همه شاخص‌ها و مبانی آن بر محور دین اسلام و قرآن و سنت می‌باشد. آئینه‌وند تمدن اسلامی را مجموعه‌ای از آثار و تولیدات می‌داند که پس از ظهور دین مبین اسلام در جزیره‌العرب و پیوستن مردمان دیگر سرزمین‌ها، پدید آمد. نقطه شروع آن شام و پایگاه بالیدنش بغداد بود. این تمدن ترکیبی بود از عناصر تأسیسی، تملیکی و تقلیدی. این تمدن به‌علت غلبه عنصر تملیکی و تقلیدی در پایان قرن پنجم هجری شکوفایی خود را از دست داد و با حمله مغولان، آخرین بازمانده‌های آن هم از میان رفت. البته در بخش تأسیسی باید از علمی یاد کرد که نوابغ بنیاد نهادند و در حقیقت بخش اصلی نیروزایی و محرک واقعی تمدن اسلامی بود (صدری، ۱۳۸۰: ۱۱۸ - ۱۱۷). همچنین سیدحسین نصر در توصیف تمدن اسلامی معتقد است، یک تمدن حقیقی از دیدگاه اسلامی آن است که همه جنبه‌های آن انسان را متوجه خداوند و فطرت خویش سازد، به‌طوری که او بتواند نقش جانشینی خداوند را که به سبب آن در زمین استقرار یافته است، برآورد. عظمت و حتی اصالت یک تمدن از دیدگاه اسلام بستگی به این دارد که چقدر آن تمدن می‌تواند زمینه‌توجه مردان و زنان را به هدف زندگی انسانی، یعنی پرستش خداوند و رفتاری درخور جانشینی خداوند در میان مخلوقات او فراهم سازد؛ نه اینکه عظمت و اصالت آن را بر این اساس بسنجد که چقدر آن تمدن می‌تواند امکانات حمل و نقل فراهم کند یا دستگاه‌های هوشمند بسازد، از دیدگاه اسلامی ارزش هر تمدنی باید براساس تحقق هدف نهایی انسان در زمین مبتنی باشد نه بر چیز دیگری (عالمی، ۱۳۸۶: ۱۶۳). بنابراین، می‌توان به‌طورکلی تمدن اسلامی را این‌گونه تعریف نمود: «تمدن اسلامی با اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به‌سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد» (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۹).

۲. نظریه‌های رایج در خصوص اصالت تمدن اسلامی

در خصوص اصالت داشتن یا نداشتن تمدن اسلامی، دیدگاه‌های کاملاً متفاوت و گاه متضادی در میان محققان وجود دارد که به دو بخش کلی موافقان و مخالفان تمدن اسلامی تقسیم می‌شود:

گروهی از محققان عمدتاً معتقدند که تمدن اسلامی هیچ اصالتی نداشته و میراث‌بر، تمدن روم و ایران است و بر ویرانه‌های دو تمدن پیشین پدید آمده است و اسلام به‌عنوان دین توحیدی فقط در بعضی از مواضع تمدنی آنها که متناسب با عرف و جغرافیای منطقه‌ای، تکامل یافته تغییراتی صورت داده است همین گروه عرب (شهرنشین) و اعراب (کوچ رو و بادیه‌نشین) جزیره‌العرب را بی‌تمدن می‌دانند (جرجی‌زیدان، ۱۳۷۲: ۸). همچنین دسته‌ای از خاورشناسان غربی نیز با کلیات آرای گرایش نخست موافق هستند، اما به‌رغم تمام دستاوردهای تمدن اسلام در دوره‌های مختلف به طرد هویت تاریخی تمدن اسلامی می‌پردازند و غالباً دستاوردها، اصول و ارزش‌های حاکم بر تمدن اسلامی را نفی می‌کنند. بنابراین این دو گروه، هویت تاریخی تمدن اسلامی را کاملاً رد نموده‌اند و در برخی موارد نیز همه آنچه معیار و ملاک برتری تمدن اسلامی است را به سایر اقوام و ملل نسبت می‌دهند و گاه نیز اگر ناچار به پذیرش هویت تاریخی تمدن اسلامی گردند تنها آن را محصور در زمان گذشته می‌دانند و برای آن جایگاهی قائل نیستند. در مقابل کسانی هستند که معتقدند تمدن اسلامی دارای هویت تاریخی مستقل می‌باشد و دستاوردهای تاریخی و خدمات برجسته‌ای دارد این گروه نیز دارای دو گرایش متفاوت می‌باشند. عده‌ای برای تمدن اسلامی هویت تاریخی قائل هستند. اما معتقدند در عصر حاضر تمدن اسلامی از کارآمدی لازم برخوردار نیست و آن را موضوعی تنها تاریخی قلمداد می‌کنند و می‌گویند به‌عنوان یک سابقه تاریخی می‌شود به آن افتخار کرد اما نمی‌توان وقوع مجدد آن را انتظار داشت. (مفتخری، ۱۳۷۹: ۴).

از طرفی عده‌ای دیگر معتقدند که تمدن اسلامی از قرآن سرچشمه گرفته و مردم مغرب‌زمین در عصر حاضر ثمرات آن را می‌چینند. اینان معتقدند فرهنگ و تمدن اسلامی تأثیر معنوی خود را حفظ نموده و به جذبه و معنویت آن نقصان وارد نشده است (جان‌محمدی، ۱۳۸۶: ۵۷-۵۴). عبدالحسین زرین‌کوب در این خصوص می‌نویسد: «تمدن اسلامی که لااقل از پایان فتوحات مسلمین تا ظهور مغول قلمرو اسلام از لحاظ ایجاد نظم و انضباط اخلاقی، برتری سطح زندگی، سعه صدر و اجتناب نسبی از تعصب، توسعه و ترقی علم و ادب قرن‌های دراز پیشاهنگ تمام دنیای متمدن و مریب فرهنگ عالم انسانیت قرار دارد، بی‌شک یک دوره درخشان از تمدن انسانی است و آنچه فرهنگ و تمدن جهان امروز به آن مدیون است اگر از دینی که به یونان دارد، بیشتر نباشد کمتر نیست با این تفاوت که فرهنگ اسلامی هنوز در دنیای حاضر تأثیر معنوی دارد و به جذبه و معنویت آن نقصان راه ندارد» (زرین‌کوب، ۱۳۹۶: ۲۱).

۳. مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی

۳-۱. نگرش توحیدی

عنصر وحدت‌بخش توحید با القای نگرش «الذین إذا أصابتهم مصیبة قالوا إن الله وإنإلیه راجعون»^۱ (بقره/ ۱۵۶). جامعه اسلامی را هدایت می‌کند و همه اقوام و ملل مختلف را زیر لوای وحدانیت گرد می‌آورد و پیوندی عمیق میان آنها ایجاد می‌کند. انسان در نگرش اسلامی کارگزار یا خلیفه بر روی زمین و عبد اوست این دو وجه با هم فطرت یا طبیعت بنیادی انسان را می‌سازد. انسان در مقام عبد خداوند باید مطیع خواست و مشیت او باشد و در مقام کارگزاری یا خلافت خداوند بر روی زمین باید فعال باشد. بدین دلیل که نماینده و کارگزار خداوند در این جهان است. انسان پلی میان ملک و ملکوت و واسطه و ابزاری است که مشیت خداوند از طریق آن در این جهان تحقق و تبلور می‌یابد (نصر، ۱۳۸۴: ۵۶).

۱. آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: «ما از آن خدائیم؛ و به سوی او بازمی‌گردیم».

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

ولایت به معنای یک نظام ارزشی است که همراه با محبت و عاطفه نسبت به آحاد مردم بوده و تنها، فرمانروایی و حکمرانی تلقی نمی‌شود (بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹). ولایت به معنای حاکمیت و سرپرستی دیگران است البته به این دلیل همه انسان‌ها در خلقت برابرند اصل این است که کسی بر دیگری حق فرمانروایی ندارد و هیچ کس اولا و بالذات حق تصرف در نفوس و اموال دیگران را ندارد، بلکه تصرف تنها حق مالک اشیاء یا کسی است که از طرف مالک اجازه داشته باشد. براساس تمدن اسلام اصل با ولایت الله است همانگونه که خداوند در آیه ۹ سوره شوری با صراحت حق حاکمیت را به خدا منحصر می‌کند و می‌فرماید: «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ» بنابراین در تمدن برخوردار شده از اسلام ولایت تنها از آن خداست و خداوند این حق را به برخی افراد شایسته واگذار کرده است. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «در اسلام سرپرستی جامعه متعلق به خدای متعال است، هیچ انسانی این حق را ندارد که اداره امور انسان‌های دیگر را برعهده بگیرد این حق مخصوص خدای متعال است که خالق و منشأ و عالم به مصالح و مالک امور انسان‌ها، بلکه مالک امور همه ذرات عالم وجود است. خدای متعال این ولایت و حاکمیت را از مجاری خاص اعمال می‌کند. در این جامعه باید از هر نوع طاغوتی اجتناب کرد.» بنابراین، ولایت در این مفهوم در مقابل سلطنت قرار می‌گیرد، سلطنت حکومتی است که در آن شخص حاکم هیچ ملاکی برای سنجیدن تصمیمات در نظر نمی‌گیرد و خود را ملزم به پاسخگویی به سؤالات نمی‌داند، در این حکومت هیچ نظارتی خارج از فرد یا گروه حاکم برای سنجش تصمیمات وجود ندارد. اما در تمدن اسلامی فرد حاکم نه تنها در برابر قانون الهی پاسخگوست بلکه نسبت به نقد، نظارت، انتقاد و ... افراد مسلمین نیز پاسخگو خواهد بود. در واقع این استقرار ولایت است که موجب تحقق دیگر مؤلفه‌های تمدن اسلامی از جمله عدالت، عزت، آزادی و ... می‌شود.

❖ ۳-۲. کرامت انسانی

سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تمدن اسلامی، حفظ کرامت انسانی است و دلیل این مدعا سخن خداوند متعال در قرآن کریم است. آنجا که خداوند متعال می‌فرماید «لقد کرما بنی آدم» (اسراء/۷۰). این آیه بدین معناست که کرامت و شرافت و بزرگواری را در سرشت او قرار دادیم کرامت و عزت جزئی از سرشت انسان است. بنابراین کرامت؛ نزهت از پستی و فرومایگی است. همچنین پیامبر^(ص) فرموده‌اند: «ان الله تعالی کریم یحب الکرّم» همانا خدای متعال کریم است و کرامت را دوست دارد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۵۱۴). امام خمینی تأکید دارد که اسلام به انسانیت انسان ارج می‌گذارد. ایشان همچنین با اشاره به عدم تفاوت زن و مرد در کرامت می‌گوید زنها نیز مقام کرامت دارند و همه آنها صاحب اختیار هستند، همان طوری که مردها اختیار دارند. خداوند همه انسانها را بدون در نظر گرفتن جنسیت با کرامت و آزاد خلق کرده است (صحیفه نور، ج ۶: ۴۶۸-۴۶۷). بنابراین، هرگونه تمدن‌سازی نوین باید در چارچوب احترام به جایگاه انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات و خلیفه الله در زمین باشد و گرنه انسان‌محوری، دنیاگرایی و نفی کرامت انسان منجر به تمدن اسلامی نمی‌شود. در این راستا مقام معظم رهبری می‌فرماید: «هیچ مکتبی به قدر اسلام، ارزش و کرامت انسان را والا نمی‌داند یکی از اصول اسلامی که همیشه در تعریف و معرفی اسلام مطرح شده اصل تکریم انسان است» (بیانات، ۱۳۷۱/۹/۲۵).

❖ ۳-۳. عدالت گستری

امام علی^(ع) در تعریف عدالت می‌فرماید: عدالت عبارت است از اینکه هر چیز در سر جای خود قرار بگیرد. درجایی دیگر می‌فرمایند عدل، رعایت کردن استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه که امکان وجود دارد، است (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۹). رسول خدا^(ص) می‌فرماید: من صاحب الناس بالذی یحب

۱. ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم.

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸
ان یصاحبوه کان عدلا: هر که با مردم چنان رفتار کند که دوست دارد آنان با او رفتار کنند عادل است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۷: ۳۵۰۰). بنابراین، همواره موضوع عدالت اجتماعی به مثابه انصاف، بی‌طرفی و برابری فرصت‌ها؛ به‌عنوان یکی از اهداف دعوت پیامبران الهی مطرح بوده است. امام خمینی^(ع)، معنای واقعی جمهوری اسلامی را عدالت معرفی می‌کند و تأکید دارند که عدالت واقعی این است که احتیاجات مردم در هر شرایطی زود رسیدگی شود، و هیچ فرقی افراد با یکدیگر نداشته باشند. همه افراد از بالاترین شخص گرفته تا پایین‌ترین فرد در مقابل قانون مساوی باشند که این موجب برقراری و ایجاد محیطی امن و آرام برای بروز استعدادها، توانایی‌ها و خلاقیت‌ها در تمام حوزه‌های فکری و عملی می‌شود. لذا از اصلی‌ترین وظیفه حکومت، برقراری عدالت اسلامی با اجرای قانون الهی می‌باشد (صحیفه نور، ج ۳: ۵۰۹).

مقام معظم رهبری با اشاره به موضوع عدالت‌گستری، این امر مهم را یکی از شاخصه‌های پیشرفت در منطق اسلام معرفی نموده و می‌فرماید: «اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد این به نظر ما و با منطق اسلام، پیشرفت نیست. امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله طبقاتی عمیق‌تر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است. این پیشرفت نیست، این پیشرفت سطحی و ظاهری و بادکنکی است» (بیانات، ۱۳۹۱/۰۷/۲۱). بنابراین شاخصه عدالت‌گستری یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن اسلامی است چون تمدن اسلامی که عالی‌ترین سیستم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و امنیت را داراست روح حاکم به همه شئونش عدالت است.

۳-۴. آزادی

همان‌گونه که حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «بنده دیگری نباش که خداوند تو را آزاد آفریده است» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) از دیدگاه اسلام آزادی و دموکراسی براساس آن

❖ چیزی است که تکامل انسان ایجاب می‌کند، یعنی آزادی حق ناشی از میل افراد و تمایلات آنها و دموکراسی در اسلام یعنی انسانیت رها شده، حال آن‌که این واژه در قاموس غرب یعنی حیوانیت رها شده است (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۰۳-۱۰۲). آزادی یک راه و روش برای رسیدن به مقصد است چون هدف انسان این نیست که آزاد باشد ولی انسان باید آزاد باشد تا به کمالات خودش برسد. بنابراین آزادی به‌خودی خود دارای قداست و ارزش نیست بلکه از آن جهت ارزشمند و متعالی است که در صورت نبودن آن انسان نیز همچون سایر موجودات از قدرت انتخاب برخوردار نبوده و در نتیجه تجلی و ظهور استعدادها در انسان معنا و مفهومی نخواهد داشت. استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرمایند: با آزادی است که ممکن است انسان به عالی‌ترین کمالات و مقامات برسد و ممکن است به اسفل‌السافلین سقوط کند (مطهری، ۱۳۹۶: ۳۴۷). امام خمینی آزادی را به عنوان یکی از نعمت‌های الهی یاد کرده است. ایشان همواره آزادی را مربوط به فطرت انسان می‌داند و یکی از علل انحطاط مسلمین را در بعضی از اعصار؛ نبودن آزادی می‌دانند (صحیفه نور، ج ۸: ۱۲۰-۱۱۹). رهبر انقلاب با اشاره به اینکه حقیقت آزادی وجود تقوا و تزکیه در انسان است ریشه آزادی در فرهنگ و تمدن اسلام را دارای روح توحیدی دانسته و فرموده‌اند: «ریشه آزادی در فرهنگ اسلامی جهان‌بینی توحیدی است. اصل توحید با اعماق معانی ظریف و دقیقی که دارد آزاد بودن انسان را تضمین می‌کند. یعنی هرکسی که معتقد به وحدانیت خداست و توحید را قبول دارد باید انسان را آزاد بگذارد. بنابراین، آزادی اسلامی متکی بر توحید است و روح توحید عبارت است از این‌که عبودیت غیرخدا باید نفی شود.» (بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹). بنابراین اسلام دین حریت و آزادی بوده و اعتقاد به خدا نه‌تنها آزادی انسان را سلب نمی‌کند، بلکه باعث تقویت روح آزادیخواهی و حریت‌منشی در انسان می‌گردد، اصلاً اعتقاد به خدا مساوی است با اینکه انسان مختار و آزاد باشد.

۳-۵. توجه به علم و معرفت

شاخص دیگر تمدن اسلامی توجه بنیادین به علم و دانش است این اهمیت با نخستین آیاتی که بر پیامبر اعظم^(ص) نازل شده مبرهن می‌شود، در جامعه اسلامی یکی از معیارهای برتری علم و معرفت است. چون خداوند متعال در قرآن کریم در کنار تقوا، جهاد و ایمان صاحبان علم را رفعت درجه داده است و چنین فرموده: «یا ایها الذین آمنوا إذا قیل لکم تفسحوا فی المجالس فافسحوا یفسح الله لکم ○ وإذا قیل انشزوا فانشزوا یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین أوتوا العلم درجات ○ والله بما تعملون خبیر^۱» (مجادله آیه ۱۱) با توجه به نگاه دین به علم مشخص می‌شود که دین برترین جایگاه را به علم و معرفت اختصاص داده است. به این ترتیب در تمدن نوین اسلامی تحصیل علم عبادت به شمار می‌آید.

مقام معظم رهبری درباره اهمیت علم می‌فرماید: «یک ملت، با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست والا را در دنیای سیاسی حائز شود. در حقیقت کشوری که دستش از علم تهی است، نمی‌تواند توقع عزت، توقع استقلال و هویت و شخصیت، توقع امنیت و توقع رفاه داشته باشد. طبیعت زندگی بشر و جریان امور زندگی این است. علم، عزت می‌بخشد. جمله‌ای در نهج‌البلاغه هست که خیلی جمله پرمغزی است. می‌فرماید: «العلم سلطان»؛ علم اقتدار است. «سلطان» یعنی اقتدار، قدرت. «العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده صیل علیه»؛ علم اقتدار است. هر کس این قدرت را به چنگ آورد، می‌تواند تحکم کند؛ می‌تواند غلبه پیدا کند؛ هر کسی که

^۱ ای اهل ایمان، هرگاه شما را گفتند که در مجالس خود جای را (بر یکدیگر) فراخ دارید، جای باز کنید (و برای نشستن مکان بالاتر و نزدیک‌تر به پیغمبر تنازع و تراحم نکنید) تا خدا بر توسعه (مکان و مقام و منزلت) شما بیفزاید و هرگاه گفتند که از جای خود (برای توسعه مجلس یا کار خیر دیگری) برخیزید، برخیزید، تا خدا مقام اهل ایمان و دانشمندان شما را (در دو جهان) رفیع گرداند، و خدا به هر چه کنید به همه آگاه است.

❖ این اقتدار را به دست نیاورد، «صیل علیه»؛ بر او غلبه پیدا خواهد شد؛ دیگران بر او قهر و غلبه پیدا می‌کنند؛ به او تحکم می‌کنند» (بیانات، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲). آنچه امروز دانشمندان اسلامی باید در پی آن باشند روحیه دانش دوستی است دانشمندان و اندیشمندان جوامع اسلامی باید به اصالت علم توجه داشته باشند. این از مهم‌ترین مقوله‌ها در بالندگی تمدن اسلامی است. محققى که در گذشته کتاب می‌نوشت و نام خود را بر آن نمی‌نهاد. مرادش بالیدن و اوج تمدن اسلامی و عزت مسلمانان بود. علم و دانش همواره محبوب بشر بوده و در اسلام نیز از آن بسیار تمجید شده است. نکته دیگر اینکه دانشمندان مسلمان نباید از فراگیری علوم روز و تمدن جدید غرب دوری گزینند، بلکه باید از دستاوردهای تمدن جدید بهره برده به آن صبغه اسلامی بخشند در آن صورت است که نوسازی تمدن اسلامی حاصل خواهد شد (شهیدثانی، ۱۳۸۲ق: ۹۳-۱۲۹).

۳-۶. دشمن ستیزی و استقلال طلبی

یکی دیگر از شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی دشمن ستیزی و استقلال طلبی است، یکی از ایده‌هایی که همواره برای عموم مسلمین مطرح بوده و در طول تاریخ مورد اهتمام اندیشمندان و روشنفکران بوده اصل استقلال خواهی و استقلال طلبی است اصل مبارزه با دخالت و نفوذ بیگانگان که یک سرمایه حیاتی برای ملت‌هاست باید در تمام ابعاد مختلف زندگی مانند عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اعتقادی و ... تقویت گردد. و این مدل برای تحقق تمدن نوین اسلامی به قدری ضروری است که استمساک به این اصل برای تحقق تمدن نوین اسلامی امری غیرقابل انکار به نظر می‌رسد. در قرآن کریم یکی از صفات برجسته پیامبران اولوالعزم صبر و استقامت و تحمل دشواری‌ها در راه خدا دانسته شده است، حضرت امام خمینی و رهبر معظم انقلاب، از جمله رهبران دینی هستند که با تکیه بر آموزه‌های اسلامی سعی در احیای مقاومت در برابر استکبار و استبداد را درک، برنامه‌ریزی و اجرا نموده‌اند. حضرت امام خمینی^(۵) ادبیات پایداری اسلام را در مقابل استبداد داخلی و خارجی که به فراموشی

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

سپرده شده بود، احیا نمود. واژه‌های استقامت، پایداری، مقاومت و ایستادگی بارها و بارها در لسان و ادبیات امام خمینی و مقام معظم رهبری بکار رفته است. مقام معظم رهبری در تعریف استقامت می‌فرماید: «استقامت یعنی راه را گم نکردن، فریب جلوه‌های مادی را نخوردن، اسیر هوای نفس نشدن، دستورها و فرایض اخلاقی و معنوی و آداب اسلام را رها نکردن و به لذت‌طلبی و عشرت‌طلبی رویاوردن؛ اینها، اساس کار است» (بیانات، ۹۱/۱۰/۱۹).

بنابراین، از طریق استقامت و مقاومت است که پرچم تمدن اسلامی برافراشته خواهد شد و عدالت، کرامت انسانی، آزادی، عزت و غرور به معنای واقعی کلمه محقق خواهد شد و این وعده الهی است. خدای متعال وعده قطعی کرده است که «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبِنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (سوره مبارکه فصلت/ آیه ۳۰).^(۵) امام خمینی^(ره) می‌فرماید: «بزرگان اسلام ما، در راه حفظ اسلام و احکام قرآن کریم کشته شدند، زندان رفتند، فداکاری‌ها کردند تا توانستند اسلام را تا به امروز حفظ کنند و به دست ما برسانند. امروز وظیفه ماست که در برابر خطراتی که متوجه اسلام و مسلمین است برای تحمل هرگونه نامالایمات آماده باشیم تا بتوانیم دست خائنین به اسلام را قطع کنیم و جلو اغراض و مطامع آنها را بگیریم» (صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۲۸).

۳-۷. عزت

از خصوصیات که اسلام برای یک جامعه پویا و سرافراز ترسیم نموده، عزت ملی است. قرآن کریم در آیه هشتم سوره منافقون؛ عزت را از آن خدا و پیامبر^(ص) و مؤمنان می‌داند و می‌فرماید: «يَقُولُونَ لئن رجعنا إلى المدينة ليخرجننا الأعداء منها الأذلىٰ ولله العزة

^۱ . به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است!

❖ و لرسوله وللمؤمنين ولا ینک المنافقین لا یعلمون^۱ منافقان در جنگ نبی المصطلق سوگند یاد کردند پس از بازگشت به مدینه پیامبر^(ص) را از آن شهر اخراج کنند اما اراده الهی بر عزت و پیروزی پیامبر^(ص) و مؤمنان تعلق گرفت. فرهنگ عزت و شکست‌ناپذیری از جمله فرهنگ‌های غنی قرآنی است. در دوران قبل از انقلاب طاغوت باعث شده بود ملت‌ها احساس عزت نکنند و همیشه در برابر ابرقدرت‌ها ذلیل باشند و برده‌ی خواسته‌های آنها باشند. اما امام خمینی^(ره) هویت انسانی و اسلامی را به جامعه برگرداند. هرگاه ملتی بیدار شود و به ریشه‌های اصیل خود بازگردد صاحب عزت می‌شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این موضوع، عزت را لازمه یک ملت دانسته و آن را نقطه مقابل احساس حقارت می‌داند و می‌فرماید: «عزت ملی عبارت است از اینکه در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه مقابل احساس عزت، احساس حقارت است. یک ملت وقتی به درون خود- به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود به موازیث خود به موجودی انسانی و فکری خود نگاه می‌کند احساس غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند این یکی از چیزهایی است که برای یک ملت ضروری است» (بیانات، ۱۳۸۸/۲/۲۲). البته باید توجه داشت که عزت امری فطری است و عزت حقیقی از آن خداست و از خداوند به پیامبر و سپس به انسان‌های صالح رسیده است و عزت ملی ارزش مطلق ندارد، عزت ملی وقتی ارزش است که بتوان از این احساس در راه ترویج حق استفاده کرده، بنابراین اصالت از آن حق، اسلام و اطاعت خداست.

۳-۸. سبک زندگی

مقام معظم رهبری با اشاره به پیشرفت‌های کشور در عرصه‌های مختلف، بخش اصلی و نرم‌افزاری پیشرفت را معطوف به موضوع سبک زندگی نموده و فرموده‌اند: «اصل

۱. آنها (پنهانی با هم) می‌گویند: اگر به مدینه مراجعت کردیم البته اربابان عزت و ثروت، مسلمانان ذلیل فقیر را از شهر بیرون کنند، و حال آنکه عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است (و ذلت خاص کافران) ولیکن منافقان از این معنی آگه نیستند.

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸
قضیه درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخش‌ها پیش برویم، باید تلاش کنیم تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم، دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود آورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد (بیانات، ۹۱/۷/۲۴).

۴. راهکارها و لازمه‌های دستیابی تمدن‌سازی نوین اسلامی

برای رسیدن به تمدن اسلامی می‌بایست مواردی را رعایت نمود که اهم آن عبارتند از:

۴-۱. ایمان

سیری در مجموعه نظرات متفکرین اسلامی درباره تمدن و فرهنگ اسلامی مبین این واقعیت و نقطه مشترک است که خدامحوری و وحی اسلامی و ایمان به خدا اساس و بنیان تمدن اسلامی است و این امر همه مظاهر تمدن و فرهنگ رادر برمی‌گیرد. امروزه گرچه تمدن اسلامی با چالش‌ها و آسیب‌های بسیاری مواجه است اما موجودیت و واقعیت معنوی بسیار پررنگی دارد؛ معنویتی که اساس و بنیان ماندگاری این تمدن است. (عالمی، ۱۳۸۶: ۶). معنویتی که نه فقط استقلال و سرافرازی فرهنگی را حفظ و تقویت می‌کند بلکه در جهت استقلال سیاسی و اقتصادی و توانمندی طرح تمدن نوین برپایه تعالیم متعالی اسلام را ایجاد کرده و تراژدی استکبار و استضعاف را در جهت طبیعی معاصر خاتمه می‌دهد. (مظاهری، ۱۳۸۹: ۴۰) امام خمینی^(ه) در باره اهمیت ایمان و تقویت امور معنوی می‌فرماید: «اکنون که پیشرفت آثار تمدن غرب و همچنین نفوذ تبلیغات کمونیستی بسیاری از مردم ایران و جوانان ما را به سوی فساد کشانیده، برای جلوگیری از این خطر بزرگ، چاره‌ای جز تقویت امور معنوی در مردم نیست و کسانی که به نام «تجدد»، روحانیت را ضعیف می‌کنند به توسعه فساد دامن می‌زنند (صحیفه نور، ج ۱: ۷۷). همچنین می‌فرماید: «این چیزهایی که در ممالک دیگر شما خیال می‌کنید تمدن است، وقتی که درست تأمل کنید تمدن نیست، بلکه به

❖ توحش نزدیک تر است؛ برای اینکه تمام سلاح‌های مدرنی که درست کردند همه برای کشتن همجنس خودشان و قتل عام کردن بشر است. تمدن صحیح در اسلام است؛ چنانچه حریت صحیح در اسلام است» (صحیفه نور، ج ۸: ۳۰۹). بنابراین به تعبیر مقام معظم رهبری، جامعه بدون آرمان، بدون مکتب و بدون ایمان ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به قدرت و ثروت برسد تازه می‌شود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمی‌خواهد، اسلام طرفدار انسان است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد و هم شاکر و بنده‌ی خدا باشد؛ جبهه عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام می‌خواهد؛ می‌خواهد انسان بسازد، الگوی انسان‌سازی است. (بیانات، ۹۱/۷/۲۳).

۴-۲. بازگشت به اسلام

یکی از مهم‌ترین راهبردهای اعتلای تمدن اسلامی بازگشت به اسلام است. چون بنیاد اصلی تمدن اسلامی، الهی بودن آن و اصلی‌ترین شاخص شکل‌گیری تمدن درخشان اسلامی، اسلام و منبع وحی بوده است که تمام لازمه‌های یک تمدن انسانی و سازنده در آموزه‌های آن گنجانده شده است و بستر ایجاد تمدن در متن آن فراهم می‌باشد، بنابراین، به این دلیل که تعالیم اسلام جوهره و رویکرد تمدنی دارد، به همین علت، عمل به آنها منجر به ایجاد تمدن می‌شود. به‌طور کلی تجربه تاریخی مسلمانان خود گواه این است که وقتی دین توجه خود را به جامعه معطوف کند و جامعه خود را پایبند عمل به تعالیم اسلامی بداند الزاما به سوی یک جامعه برخوردار از تمدن حرکت خواهد کرد (الویری، ۱۳۸۳: ۱۱). تمدنی که اسلام پایه‌گذاری نموده همه‌جانبه است ولی مبنای اصلی آن توحید می‌باشد به همین دلیل مبنای تمدن اسلامی را باید در خود اسلام جست‌وجو کرد و تجلی این عنصر در تمام حوزه‌ها از معماری تا ادبیات و پزشکی و ... به چشم می‌خورد، بر همین اساس برای گسترش و نوسازی تمدن اسلامی باید به اسلام و اصول آن بازگشت. امام خمینی^(ه) در این باره

می‌فرمایند: «اسلام خود از پایه‌گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است، هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید بدون شک از پیشرفته‌ترین کشورها خواهد بود. (صحیفه نور، ج ۴: ۴۱) اقبال لاهوری در این خصوص می‌نویسد: «وظیفه‌ای که مسلمانان امروزه بر دوش دارند، بسیار سنگین است. مسلمانان امروز باید بی‌آنکه رشته ارتباط خود را با گذشته قطع نمایند، از نو در کل دستگاه مسلمانی بیندیشند» (اقبال لاهوری، ۱۳۹۰: ۱۲).

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «هیچکدام از این چیزهایی که من فهرست کردم و گفتم شما نمی‌توانید پیدا کنید که یا به‌طور خاص یا تحت یک عنوان عام، در اسلام به آن پرداخته نشده باشد، انواع سلوک با افرادی که انسان با آنها ارتباط دارد انواع رفتارهای ما، انواع چیزهایی که در زندگی اجتماعی برای انسان وجود اینها در اسلام هست؛ در مورد سفر کردن هست، در مورد رفت و آمد هست، در مورد سوار شدن و پیاده شدن هست، در مورد پدر و مادر هست و... در همه چیزها یا به‌طور خاص در منابع اسلامی ما موجود است یا تحت یک عنوان کلی وجود دارد (بیانات، ۹۱/۷/۲۳). بنابراین برای تمدن‌سازی نوین اسلامی باید به اسلام و تعالیم آن رجوع نمود.

۳-۴. پرهیز از سطحی‌نگری

یکی دیگر از اقدامات احیای تمدن اسلامی پرهیز از سطحی‌نگری و تحجر است. در حقیقت امام خمینی^(ه) علت برخی مخالفت‌های رهبران مذهبی با مظاهر تمدن را ترس از نفوذ اجانب در جوامع اسلامی و جلوگیری از ترویج فرهنگ ابتذال می‌دانند ایشان می‌فرمایند: «مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته، تنها به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی، به‌خصوص فرهنگ مبتذل غرب، موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط‌آمیز کنند» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۷۷).

مقام معظم رهبری تحجر و سطحی‌نگری را از عوامل سکولاریسم پنهان دانسته و فرمودند: گاهی اوقات در ظاهر تبلیغات، تبلیغات دینی است، حرف، حرف دینی است، شعار، شعار دینی است؛ اما در باطن سکولاریسم است؛ جدایی دین از زندگی است (بیانات، ۹۱/۷/۲۴). در جایی دیگر ایشان ضمن تعریف تحجر آن را یکی از موانع پیشرفت دانسته و می‌فرمایند: «نگاه نو به مسائل نکردن، گذران تاریخ و تحول فکر انسان‌ها را نادیده گرفتن، تعالی و ترقی فکر و اندیشه و راه‌های زندگی را انکار کردن، این تحجر است. هر دانشی را که شما نگاه کنید تعالی و پیشرفت آن دانش، فریادی علیه تحجر است. اگر قرار بودن ایستایی پافشاردن بر هر آنچه که عادت کرده‌ایم آن را ببینیم، چیز خوبی باشد، اصول ما هم پیشرفت نمی‌کرد و تحجر یکی از بزرگ‌ترین آفات است (بیانات، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴).

۴-۴. پرهیز از غرب‌گرایی

به باور امام خمینی^(ه)، تمدن کنونی غرب بر پایه فساد و بی‌بند و باری شکل گرفته است و مسلمانان نباید در فرهنگ غربی هضم شوند، هرچند ایشان پیشرفت‌های مادی را قبول دارند و آنها را برای بشریت لازم می‌دانند (ضمیری، ۱۳۸۸: ۸۵). ایشان می‌فرمایند: «در صورتی که این اشکال در کار نیست که آنها ترقیات مادی زیادی کردند، ما این را اشکالی نمی‌بینیم، لکن اشکال سر این است که ما آدابمان را هم از آنها می‌خواهیم بگیریم، قوانینمان را هم می‌خواهیم از آنها بگیریم. در صورتی که در تمدن مقدم نیستند، بلکه بسیار عقب‌افتاده‌اند. آئی که جلو هستند این است که آلاتی درست کردند آدم‌کش، دنیا را به آتش می‌زنند. اگر تمدن این است همه عالم باید از تمدن بیزار باشد. آنکه ضامن این است که یک کشوری درست بکند که متمدن باشد، آزادیخواه - به معنای حقیقی‌اش - باشد، استقلال داشته باشد - به معنای حقیقی‌اش - آن مکتب انسانیت است» (صحیفه نور، ج ۹: ۸۲). همچنین ایشان در جایی دیگر درباره رابطه با تمدن غرب می‌گویند: «چگونه باید روابط میان ایران و غرب تنظیم شود؟ ضدغرب هستید؟ خیر، ضدغرب نیستیم، ما خواهان استقلال هستیم و روابط خود را با

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

جهان غرب بر این اساس پی‌ریزی می‌نماییم. ما می‌خواهیم ملت ایران غرب‌زده نباشد و بر پایه‌های ملی و مذهبی خویش به سوی ترقی و تمدن گام برداریم» (صحیفه نور، ج ۴: ۱۶۰).

بنابراین، تحمیل روش‌های زندگی و سیر سلوک زندگی از سوی غرب به ملت‌ها و تمدن‌های مختلف و الزام آنها به تقلید از این شیوه‌ها نه تنها کمکی به پیشرفت ملت‌ها نداشته است؛ بلکه ضرر و فاجعه‌هایی را نیز برای آنها به همراه داشته است به نحوی که به‌رغم اینکه برخی از کشورها در ظاهر برخی پیشرفت‌ها را بدست آورده‌اند اما هویت ملی، معنویت و ... خود را از دست داده و نتیجه این تقلید علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و این قدرت بدون عدالت بوده است. به همین دلیل مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «ما برای ساختن این بخش (نرم افزاری) از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم، تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگویی و تحمیل، تمدن غربی است (بیانات، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳) و تا شناخت کامل، صحیح و علمی از فلسفه حاکم و تمدن الهی و مادی انجام نشود و ارکان و اصول تمدن اسلامی تدون نشود، نمی‌توان در مسیر عمل تمدن سازی گام برداشت. چون نظام‌های موجود التقاطی، الهی، الحادی) از نظر فلسفه تاریخ، اندیشه نظام‌سازی، دکتترین مدیریت اجتماعی و ... با هم کاملاً متفاوت هستند. هر یک از این نظام‌های موجود نگاهی متفاوت به انسان، خدا و طبیعت دارند تعریف انسانی و کرامت و شرافت انسانی در یک جامعه سکولار و الحادی با تعریف آن در یک جامعه التقاطی یا الهی کاملاً متفاوت و متمایز است. وقتی اینگونه باشد قطعاً نوع مدیریت اجتماعی جامعه الحادی با دو جامعه دیگر متفاوت خواهد بود.

❖ ۴-۵. بررسی گذشته تمدن اسلام

سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

بحث تمدن امری پویا و مستمر است، شناخت وضعیت فعلی آن وابسته به آگاهی از پیشینه تاریخی آن است چون شناخت گذشته پیش‌زمینه‌ای برای گذر به آینده است به‌همین دلیل می‌توان با بررسی گذشته هویت فرهنگی و تمدن اسلامی و آگاهی از شوکت و عظمت دیرینه آن قدم در راه نوسازی فرهنگ و تمدن اسلامی نهاد. امام خمینی^(۵) در این ارتباط می‌فرماید: «مسلمین آنها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود. تمدن آنها فوق تمدن‌ها بود. معنویات آنها بالاترین معنویات‌ها بود. رجال آنها برجسته‌ترین رجال بود. توسعه مملکتشان از همه ممالک بیشتر بود. سیطره حکومتشان بر دنیا غالب شده بود» (صحیفه نور، ج ۱: ۳۷۵)؛ «در صورتی که اروپاییان و دانشمندان اروپا هم قایل به این مطلبند که تمدن اسلام مقدم بر سایر تمدن‌هاست» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۲۱۷). همچنین مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: کشورهای مسلمان در بیش از یک قرن تبعیت از فرهنگ و سیاست‌های دولت مستکبر، به آفات مهلکی همچون وابستگی و ذلت سیاسی و فلاکت و فقر اقتصادی و ... دچار شدند و این در حالی بود که امت اسلامی از سابقه‌ای افتخارآمیز در همه عرصه‌ها برخوردار بود (بیانات، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). به همین دلیل امروز، برای حرکت در راستای تحقق تمدن آگاهی از هویت تمدن اسلامی بیش از هر زمان و عصر دیگری ضرورت دارد تا ضمن الگوپذیری از گذشته، زمینه و آسیب‌های گذشته را مورد بررسی قرار داد.

❖ ۴-۶. تلاش حاکمیت

یکی دیگر از عوامل مهم در گسترش و فراگیر شدن تمدن اسلامی، تلاش حاکمیت اسلامی است. امام خمینی^(۵) درباره دیدگاه امام علی^(ع) نسبت به حکومت می‌فرماید: «او تمام مقصدش خدا بود. اصلش این دنیا و این ریاست دنیا و اینها در نظر او چیزی نبود، مگر اینکه بتواند یک عدلی را در یک دنیا برقرار کند و الا پیش آنها مطرح نبود که یک ریاستی داشته باشم یا خلافتی داشته باشم، مگر اینکه بتواند یک عدلی را

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸
اقامه کنند و یک حدی را جاری کنند» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۱۹۵). رهبر معظم انقلاب، تمدن‌سازی اسلامی را مستلزم طی شدن مراحل می‌داند و فرایند شکل‌گیری تمدن اسلامی را ایجاد انقلاب اسلامی، ایجاد نظام اسلامی، ایجاد دولت اسلامی، ایجاد کشور و جامعه اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی دانسته‌اند. در حقیقت نظام اسلامی یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن (بیانات، ۷۹/۰۹/۱۹) و دولت اسلامی یعنی همه کارگزاران نظام اسلامی باید جهت‌گیری و رفتار اجتماعی و فردی و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند. (بیانات، ۸۴/۰۶/۰۸) بنابراین حکومت و مدیریت یک کشور در تعیین خط مشی یک ملت و ترسیم راه ترقی و سعادت و پیشرفت علمی آن یا تنزل و انحطاط و توقف آن نقش اساسی دارد.

۴-۷. خودباوری

یکی از مهمترین لازمه‌های نوسازی تمدن اسلامی، عوامل روانی است و یکی از اساسی‌ترین شروط لازم برای رسیدن به تمدن اسلامی خودباوری می‌باشد. به عبارت دیگر مسلمان‌ها باید درک کنند که توسعه‌یافتگی و عقب‌ماندگی ذاتی نیست و قابل تغییر است همان‌گونه که خداوند متعال در آیه ۱۱ سوره رعد می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱. امام خمینی^(ره) درباره خودباوری در صدر اسلام می‌فرماید: «عربی که در آن وقت، در زمانی که وارد شد قرآن کریم، یک مردم متفرق بودند، بین خودشان یک جنگ و جدالی بود و هیچ فکر امور سیاسی نبودند و همان بین خودشان، مثل یک طوایف وحشی بودند، در قبل از یک نیم قرن، در حدود سی سال، این امپراتوری را همین عده عرب کمی ابتداء دور رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند و اینها را ساخت. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در یک مدت کمی، دو تا امپراتوری، که آن وقت تقریباً تمام زیر بیرق این امپراتوری بود - یکی

^۱. خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است.

❖ امپراتوری ایران بود و یکی هم روم بود - هردو را فتح کردند و... همه جا را تسخیر کردند و تسخیرها تسخیری نبود که مثل ناپلئون باشد که بخواهد یک مملکتی را بگیرد، تسخیرهای اسلامی برای این بود که مردم را بسازد، مردم را موحد کند... مسائل این بوده که می‌خواستند مردم را رو به راه کنند؛ یعنی وحشی‌ها را متمدن کنند» (صحیفه نور، ج ۴: ۴۵۰).

از این روست که رهبری معظم انقلاب درخصوص نقش خودباوری و اعتماد به نفس در پیشرفت همه‌جانبه کشور فرموده‌اند: «اگر ملتی این بیماری‌ها را داشته باشد این ملت پیشرفتش ممکن نیست، اگر ملتی مردمش تبیل باشند، ناامید باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند، با همدیگر پیوند نداشته باشند و ... چنین ملتی پیش نخواهد رفت اینها مثل موربانه‌ای که در درون پایه بیفتد بنا را ویران می‌کند (بیانات، ۱۳۸۶/۰۱/۰۱).

۴-۸. شناسایی مؤلفه‌های تمدن رقیب و احیای نهضت آزاداندیشی

یکی دیگر از لازمه‌های تمدن اسلامی شناسایی مؤلفه‌های تمدن رقیب می‌باشد به عبارت دیگر پایه‌ریزی تمدن اسلامی نیازمند رقابت تمدنی است. ضرورت این شناخت، استقبال از نهضت آزاداندیشی و آزادمنشی می‌باشد. همانگونه که امام خمینی^(س) بارها تأکید فرمودند که اسلام هیچ ضدیتی و تقابلی با فرهنگ و تمدن ندارد بلکه با فرهنگ و تمدن فسادآور و مبتنی بر مادیات و شهوات مخالف است. ایشان می‌فرمایند: «در اسلام، تمام آثار تجدد و تمدن مجاز است، مگر آنهایی که فساد اخلاق بیاورد، فساد عفت بیاورد. اسلام آن چیزهایی را که مخالف با مصالح ملت بوده است، آنها را نفی کرده؛ آنهایی که موافق با مصالح ملت است، آنها را اثبات کرده است» (صحیفه نور، ج ۵: ۲۶۳).

بنابراین، مسلمانان باید در رویارویی با دانش و دستاوردهای سایر ملل ضمن شناسایی کامل آنها با آزاداندیشی و بدون تعصب برخورد کنند و با روحیه تساهل و تسامح از دانش‌های ملل دیگر استفاده کنند. زیرا وجود این روحیه زمینه‌ساز فضای

❖ گفتگو، مباحثه، مجادله و مناظره علمی و تبادل افکار و اندیشه‌ها می‌شود. همچنین
سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸
مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ما می‌خواهیم کشورمان از همه جهات - از لحاظ
علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی - به پیشرفت برسد،
مردم به رفاه دست پیدا کنند؛ اما در کنار پیشرفت، می‌خواهیم کشور عادلانه و با
عدالت اداره بشود؛ این مهم است. ... ممکن است بعضی از صاحب‌نظران و به اصطلاح
تئوریسین‌های اقتصادی بگویند: آقا نمی‌شود؛ اگر بخواهید به پیشرفت اقتصادی دست
پیدا کنید، ناچار باید فاصله طبقاتی را قبول کنید و بپذیرید! اینجاست که ما عرض
می‌کنیم «نوآوری». نباید خیال کنیم که نسخه‌های اقتصادی غرب، آخرین حد
دست‌آورد بشری است؛ نه، این هم یک نسخه‌ای است، دوره‌ای دارد؛ آن دوره طی
می‌شود و فکر تازه و فکر نویی به میدان وارد می‌شود؛ بگردید آن فکر نو را پیدا کنید؛
شاخص باید این باشد» (بیانات، ۱۳۸۷/۰۱/۰۱).

۴-۹. داشتن نگاه فراملیتی و فرامذهبی

یکی دیگر از لوازم تحقق تمدن نوین اسلامی داشتن نگاه فراملیتی و فرامذهبی است
چون اگر جوامع و کشورهای اسلامی و جریانات گوناگون جهان اسلام در رقابت‌های
درون‌گفتمانی گرفتار شوند از رقابت‌های کلان تمدنی و برون‌گفتمانی عقب می‌افتند.
اگر به اسلام و تفکر اسلامی، در ابعاد محلی و بومی نگریسته شود، طبیعی است که از
تمدن اسلامی در کشورهای مختلف خبری نخواهد بود. بنابراین، مسلمانان نباید در
تعصبات و وابستگی‌های مذهبی و نژادی محدود بمانند باید فراتر بیندیشند و همه با
هم وحدت داشته باشند چون ظرفیت و گنجایش اسلام فوق نژاد و ملیت و مذهب
است (بینش، ۱۳۸۶: ۱۶۱ و ۱۱۹). امام خمینی^(ع) تفرقه میان امت‌های اسلامی را عامل
انحطاط و سقوط تمدن اسلامی قلمداد کرده، معتقدند: استعمارگران دو نوع تفرقه در
میان جوامع اسلامی پدید آوردند: یکی تفرقه مذهبی میان شیعه و سنی و دیگری
تفرقه ملی میان قبایل و طوایف کرد و لر و عرب و فارس و ترک و بلوچ؛ «دیدند که

❖ با این سیطره، با این وحدت دول اسلامی نمی‌شود تحمیل کرد چیزهایی را که می‌خواهند، نمی‌شود ذخایر اینها، طلای سیاه اینها را، طلای زرد اینها را نمی‌شود قبضه کرد. درصد چاره برآمدند. چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند» (صحیفه نور، ۱: ۳۷۵).

همچنین مقام معظم رهبری در این خصوص فرموده‌اند: «ما با هیچ گروهی از انسان‌ها به دلیل تمایز جغرافیایی دشمن نداریم» (بیانات، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). بنابراین، یکی از خطرناک‌ترین تهدیدات تمدن اسلامی در عصر حاضر اختلاف فکنی و تبدیل وحدت اسلامی به معارضه‌های خونین فرقه‌ای و مذهبی و قومی و ملی است.

۴-۱۰. داشتن جهان‌بینی کامل و تحول نگاه به علم

داشتن جهان‌بینی کامل و استوار یکی دیگر از لازمه‌های تمدن اسلامی است. ویژگی مکتب و جهان‌بینی اسلام، توحید است. امام خمینی^(ه) می‌فرماید: «مکتب توحیدی، راهنمای مردم در خروج از ظلمت است. در مکتب توحید، مردم حقیقی تربیت و به جانب نور هدایت می‌شوند؛ در صورتی که تمام مکتب‌هایی غیر توحیدی، مکتب‌های مادی هستند. در مکتب‌های توحیدی که در رأس آنها مکتب اسلام است، در عین حال که به مادیات و با مادیات سر و کار دارند، مردم را طوری تربیت می‌کند که مادیات، حجاب آنها برای معنویات نباشد. مادیات را در خدمت معنویات می‌کشند (صحیفه نور، ج ۹: ۲۸۸).

مقام معظم رهبری شرط تحقق تمدن اسلامی را داشتن مکتب بیان می‌کنند و می‌فرماید: «بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد. احتیاج با ایمان دارد. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود. دارای پیشرفت هم خواهد بود و آن مکتب که توحید را مبنای کار خودش قرار می‌دهد آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است به دست خواهد آورد» (بیانات، ۹۰/۷/۲۳). همچنین ایشان،

مؤلفه‌ها و راهکارهای تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌های... ❖ ۱۳۳

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸
تمدن‌سازی بدون تولید فکر و تدوین مبانی معرفتی را ناممکن دانسته و با توجه به همین ضرورت بیان می‌دارند که می‌باید با یک کار پرحجم و کیفی، مدل‌های مورد نیاز در زندگی، هم در ساحت نرم‌افزاری که حوزه سبک زندگی است و هم در ساحت سخت‌افزاری استخراج گردد (بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳). در حقیقت «برای ایجاد یک تمدن اسلامی دو عنصر اساسی لازم است یکی تولید فکر یکی پرورش انسان» (بیانات، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴).

۴-۱۱. داشتن فقه پویا

یکی دیگر از راهکارهای احیای تمدن اسلامی با توجه به قابلیت و ظرفیت فقه اسلام ابداع عرصه‌های نو در فقه اسلام است. امام خمینی^(ع) می‌فرماید: «این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعا موضوع جدیدی شده است که قهرا حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۸۹). همچنین مقام معظم رهبری در این راستا می‌فرماید: «فقه ما اسلوب بسیار متفن و محکمی دارد؛ آن اسلوب همان چیزی است که به آن فقاہت می‌گوییم. فقاہت، یک شیوه برای استنباط و درک احکام الهی و اسلامی است. با این شیوه و در این قالبها، می‌شود تمام نیازهای بشر را استخراج کرد و در اختیار بشریت گمراه گذاشت. امروز ما خیلی احتیاج داریم که از این شیوه استفاده بهینه کنیم» (بیانات، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱).

۴-۱۲. تحول در علوم انسانی

یکی از مهمترین راهکارهای بازسازی تمدن نوین اسلامی توجه ویژه به علوم انسانی است. بسیاری از فرهیختگان جهان اسلام تنها راه بازگشت به دوران طلایی تمدن اسلامی را توجه به علوم تجربی و رشد در این علوم می‌دانند و به‌طورکلی از علوم انسانی غافل شده‌اند. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «علوم انسانی برای جامعه جهت دهنده است، فکر ساز است، حرکت یک جامعه، مسیر یک جامعه، مقصد یک جامعه را مشخص می‌کند. این خیلی مهم است بنابراین باید مسئولان ما اهمیت علوم انسانی را بفهمند» (بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۰۸). بنابراین رسیدن به اهداف بلند در پی‌ریزی تمدن اسلامی و نهضت علمی جهان اسلام مستلزم توجه خاص به علوم انسانی و مبانی آن است.

۴-۱۳. استفاده بهینه از ظرفیت نخبگان و دانشمندان

استفاده بهینه از ظرفیت نخبگان و دانشمندان یکی دیگر از لازمه‌های تجدید تمدن اسلامی است. مقام معظم رهبری تعامل متقابل، دوجانبه و جدی‌تر نخبگان و نظام، مراقبت هوشمندانه و استفاده صحیح از گنجینه نیروی انسانی نخبه و تقویت هویت ملی و آرمانخواهی در مجموعه نخبگان کشور را ضروری می‌خوانند (بیانات، ۱۳۹۷/۰۷/۲۵). در حقیقت براساس شواهد تاریخی هیچ تمدنی بدون حرکت نخبگان و اهل علم رشد نکرد همان‌گونه که در عصر طلایی تمدن اسلامی مرهون تلاش دانشمندان برای کسب علوم و فنون بوده است. بنابراین، نخبگان جوامع اسلامی باید به اصالت علم توجه نمایند چون این از مهم‌ترین مقوله‌ها در بالندگی تمدن اسلامی است. از همین روست که مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «نیروهایی که علم ابتکار و تجربه و اخلاص و شوق و نشاط و امید دارند، این سرمایه عظیمی است. اگر ما توانستیم از این سرمایه خوب استفاده کنیم، پیش‌خداوند متعال سر بلند خواهیم بود، والا هیچ عذری نزد او نخواهیم داشت» (بیانات، ۱۳۶۸/۰۴/۱۹).

۵. بحث و نتیجه‌گیری

تمدن، حالت اجتماعی انسان به شمار می‌آید و تمدن اسلامی بر اساس نگرش توحیدی خود و مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی جامعه اسلامی، انسان را به سوی کمال مادی و معنوی سوق می‌دهد. در تمدن نوین اسلامی شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی حائز اهمیت و توجه بوده که همگی در راستای اعتلای این تمدن در دنیای حاضر و رشد و بالندگی آن دخیل می‌باشند؛ که از آن جمله می‌توان به کرامت انسانی، عدالت گستری، آزادی، توجه به علم و معرفت، استقلال طلبی و ... اشاره نمود. با توجه به اینکه هیچ کس نمی‌تواند منکر تأثیر اندیشه‌های متفکرین در تحولات سیاسی، اجتماعی و حتی اداره جوامع باشد؛ عقاید سیاسی اندیشمندان و فقهای بزرگی چون امام خمینی^(ه) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مورد راهکارهای دستیابی به تمدن نوین اسلامی همچون ایمان، خودباوری، تلاش حاکمیت و ... می‌تواند جامعه را به جادهٔ اندیشه و اندیشه‌ورزی در فائق آمدن بر مشکلات سیاسی عصر جدید یاری و رهنمون سازد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود برای ارائه برنامه‌ها، چشم‌اندازها و مسیر پیشرفت جامعه بر روی این نظرات و راهکارهای بیان شده، تمرکز گردد.

منابع و مأخذ

- ابن خلدون، مقدمه (۱۳۷۵). ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن منظور (۱۴۰۸). **لسان العرب**، بیروت: جلد دوم، انتشارات دالحیاه التراث العربی.
- الویری، محسن (۱۳۸۳). «رابطه اسلام و ایران، رویکرد تمدنی تاریخ اسلام»، **مجله تاریخ اسلام**، شماره ۲۰.
- اقبال لاهوری، محمد (۱۳۹۰). **احیای فکری دینی در اسلام**، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- بختی، کامران (۱۳۷۱). **فرهنگ انگلیسی - فارسی، مترادف و متضاد**، جلد اول، تهران: نشر کلمه.
- بینش، عبدالحسین (۱۳۸۶). **آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی**، تهران: انتشارات زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع)
- جان محمدی، فاطمه (۱۳۸۶). **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**، چاپ سوم، نشر معارف.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۹). **اوتویی و عصر تجدد**، تهران: نشر ساقی.
- دورانت، ویل (۱۳۸۸). **تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صاری و ...**، چاپ ششم، تهران: روح الامینی، محمود (۱۳۷۹). **زمینه فرهنگ شناسی**، چاپ پنجم، تهران: نشر عطار.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۶). **کارنامه اسلام**، چاپ بیست و چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۲). **تاریخ تمدن اسلام**، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صدری، احمد (۱۳۸۰). **مفهوم تمدن و لزوم احیای آن در علوم اجتماعی**، تهران: نشر هرمس.
- ضمیری، محمدرضا (۱۳۸۸). «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی قدس سره»، **مجله معرفت**، شماره ۱۳۸.

مؤلفه‌ها و راهکارهای تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌های... ❖ ۱۳۷

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

عالمی، سیدعلیرضا (۱۳۸۶). «رهیافتی بر تمدن و تمدن اسلامی از دیدگاه سید حسین نصر»، **مجله تاریخ و تمدن اسلامی**، شماره ۶.

عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی)، (۱۳۸۲ق). **مسالك الافهام شرح شرايع الاسلام في مسائل الحرام و الحلال**، ایران، بی‌نا، چاپ سنگی.

فوزی، یحیی و محمودرضا صنم‌زاده (۱۳۹۱). **تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ه)**، شماره ۹.

محمدی ری‌شهری (۱۳۷۹). **میزان الحکمه**، ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ دوم، جلد ۱ و ۱۱، تهران: دارالحديث.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). **انسان کامل**، چاپ شصت و هفتم، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). **پیرامون انقلاب اسلامی**، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات صدرا.

مظاهری، سیف‌الله (۱۳۸۹). «اخلاقی مهدوی»، **کتاب نقد منبع: رشد قرآن مهر**، شماره ۳۰.

مفتخری، حسین (۱۳۷۹). «تمدن اسلامی، مبانی و مؤلفه‌های اساسی آن»، **مجله تاریخ اسلام**، شماره ۲.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). **صحیفه نور**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نصر، سیدحسین (۱۳۸۴). **جوان مسلمان و متجدد**، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: نشر طرح نو.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸). **برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی**، ترجمه

محمدعلی حمید رفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

سایت دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای www.khamenei.ir